



بازتاب فرهنگ، ارزش‌ها و شیوه زندگی در آیینۀ ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه
(مطالعه موردی: ضرب المثل‌های ترکی آذری شهرستان ماکو)

DR. YAKUB NEVRUZI *

Öz

Atasözleri ve halk deyimleri, toplumsal kültür ve değerlerin yansımalarıdır; aynı zamanda toplumların hayat tarzlarını aydınlatan değerlerdir. Atasözleri yardımıyla bir toplumun geçmiş değerleri tanınabilir ve yeniden yaratılabilir. Türkçe-Azerice Atasözleri ve Halk Deyimleri, bu açıdan bakıldığında son derece önemlidir. Nitekim atasözleri ve halk deyimlerine sadece kısa bir göz atmakla bile bu toplumların düşünsel ve kültürel geçmişleri ile mirasları görülebilir, toplumsal değerlerinin temelleri tanımlanabilir. Bu açıdan bu konu üzerinde çalışmak ve araştırma yapmak önemlidir. Bu makale; Maku bölgesinde yaygın Türkçe-Azerice Atasözleri ve Halk Deyimleri'ni araştırıp inceleyerek atalarımızın değerlerini, hayat tarzları ve ilkeleri konusunu gözler önüne sermeği hedeflemektedir. Böylece; onların yaşam tarzları, değerleri ve prensiplerini öğrenmiş olacağız.

Anahtar Kelimeler: Atasözü, Türkçe, Azerice, halk kültürü, sosyoloji.

ABSTRACT

Proverbs and folk sayings reflect the culture and social values and clarify the ways of life of human communities. It is with the help of the proverb that one can recognize and recreate the past. The proverbs and narrations of the Azeri Turks are very important in this regard because, with a glance at these proverbs and folk narratives, we can see the intellectual

* DR. YAKUB NEVRUZI, Azad İslam Üniversitesi, noruziyagub@yahoo.com.

and cultural past of this society and recognize its principles and social values. This research direction in these proverbs is important. In the present study, we will try to draw up the values, criteria and way of life of our ancestors by discussing the proverbs and exhortations of the common Azeri -Turkish Azeri people in the city of Maku. In this way, their lifestyle and way of life, customs and customs, Values and norms are investigated.

Keywords: Proverb, Azeri Turkish, Popular Culture, Sociology.

چکیده

ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه، انعکاس فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی می‌باشند و شیوه‌های زندگی اجتماعات بشری را روشن می‌سازند. به کمک ضرب المثل‌هاست که می‌توان گذشته یک توده را شناخت و بازآفرینی کرد. ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه ترکی آذری از این لحاظ بسیار حائز اهمیت‌اند؛ چرا که با نگاهی گذرا به این ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه می‌توانیم گذشته فکری و فرهنگی این جامعه را ببینیم و اصول و ارزش‌های اجتماعی آن را بازشناسیم. از این جهت، پژوهش در این ضرب المثل‌ها اهمیت دارد. در پژوهش حاضر، با بحث و بررسی در مورد ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه ترکی آذری رایج در شهرستان ماکو، سعی خواهیم کرد ارزش‌ها، معیارها و شیوه زندگی گذشتگانمان را ترسیم کنیم و از این طریق شیوه زندگی آنها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها را مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم.

کلید واژه‌ها: ضرب المثل، ترکی آذری، فرهنگ عامه، جامعه‌شناسی

مقدمه

واژه «مثل»، از زبان عربی به فارسی راه یافته است و آن چنان که گفته‌اند، از ریشه «مثول» بر وزن «عقول» است، به معنای «شباهت داشتن چیزی به چیزی» و «بر پای بودن و راست ایستادن». این واژه در عربی معانی متعددی دارد: شبیه و مانند، دلیل و برهان، سخن و حدیث، نشانه و علامت، پند و عبرت. (عفیفی، ۱۳۷۱: پیش‌گفتار). در تعریف مثل گفته‌اند: «جمله‌ای است کوتاه، گاه استعاری و آهنگین، مشتمل بر تشبیه با

مضمون حکیمانه و برگرفته از تجربیات مردم که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار خود به کار برند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲). ضرب المثل، نوعی ادبی است که توسط مردم خلق شده و از نسلی به نسلی و از زبانی به زبانی منتقل شده است. زبان مثل‌ها ساده و بی‌پیرایه است. «مثل‌ها بازمانده تفکر و خلاقیت پیشینیان ماست. این جملات حاصل تعمق اندیشمندان گمنامی است که تجربه خود را، از حوادث تلخ و شیرینی که پشت سر می‌گذاشتند، در قالب عباراتی کوتاه می‌گنجاندند تا به آسانی در یادها بماند و با حفظ و تکرار آنها از تجربه، عقل و منطق نهفته در آنها در زندگی روزمره خود بهره برده و اجتماع خویش را بر پایه اخلاق حسنه بنا نهند (معین الدینی، ۱۳۸۱: ۱۶)

ضرب المثل‌های هر ملت در واقع، انعکاس فرهنگ، شیوه زندگی، باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، محیط زندگی و جغرافیای آن ملت است و «تفاوت ضرب المثل‌ها در زبان‌های مختلف به تفاوت‌های فرهنگی، نگرش‌های قومی به مسائل و پدیده‌های آن منطقه مربوط می‌باشد...» (یانکاه، ۲۰۰۴: ۲۰۱)

مثل‌ها میراث گذشتگان ما هستند و بازتاب صادقانه و صمیمی خرد جمعی هر ملتی می‌باشند. همایی در این باره می‌نویسد: «(مثل) همه حکمت‌ها و دانش‌های بشری را متضمن است و فشرده افکار هر قوم به شمار می‌رود» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۳-۱۴۴). چون سبک زندگی بشری در روزگاری نه چندان دور، بیشتر زندگی پاستورال بوده و بشر هر چه بیشتر با زندگی دامداری، کشاورزی و شبانی مانوس بوده، در ضرب المثل‌ها هم ویژگی این نوع زندگی پررنگ است، محیط، زمان و شرایط زندگی، بیشترین نقش را در آفرینش و تولید مثل‌ها داشته‌اند. سخن هیپولت تن که گفته بود: «سه عامل نژاد، محیط و زمان؛ تلفیق این سه عامل، تعیین‌کننده پدیده ادبی است» (نقل از زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۵۷) در مورد مثل‌ها نیز با تغییری اندک صادق است؛ چرا که در خلق ضرب المثل‌ها نیز محیط و زمان دو مؤلفه اصلی و تأثیرگذار هستند و تأثیر محیط و روح زمان شکل گرفته‌اند. بر این اساس ما می‌توانیم به کمک مثل‌ها، نقبی به شیوه زندگی پیشینیان خود بزنیم و ویژگی‌های زندگی جمعی آنها را بازشناسیم و به ساختارهای اجتماعی، آداب و رسوم و عرف و سنت‌های آنها پی ببریم. مطالعه قصه‌ها، افسانه‌ها، امثال و حکم ادبی ما را به امکانات

اجتماعی - فرهنگی روزگاران گذشته نیز آشنا می‌سازد. به عبارت دیگر، «اصیل‌ترین اسناد هر ملتی، تاریخ ادبیات هر ملتی است؛ مابقی جعل است» (آل‌احمد، ۱۳۷۵: ۴۹). امروزه در کشورهای مترقی تلاش می‌شود تا آثار و نشانه‌های سنت‌ها و فرهنگ را که بر اثر تحولات علمی و صنعتی زمان، دچار اضمحلال و نابودی شده است، از میان زبان و فرهنگ‌های رایج و از لابه‌لای متون، کتاب‌ها و مجلات مربوط جمع‌آوری کنند و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار دهند. یک کاوشگر جامعه و فرهنگ توده‌ها می‌تواند به کمک ضرب المثل‌ها به یافته‌های ذی‌قیمتی دست یابد که در هیچ سند مکتوبی نیامده است و تاریخ و گذشته یک ملت را هرچه روشن‌تر سازد. جامعه‌شناسی ضرب المثل‌ها به عنوان بخشی از جامعه‌شناسی فرهنگ (sociology of culture)، جامعه‌شناسی هنر (sociology of art) و جامعه‌شناسی ادبیات (sociology of literature) که از رشته‌های نوظهور در عرصه علم هستند، می‌تواند راهگشای شناخت گذشته و حال ما باشد و به کمک آن می‌توان به ژرف‌کاوی و بررسی دقیق و جزء به جزء روابط متقابل هنر (ضرب المثل‌ها) و اجتماع پرداخت؛ چرا که علم جامعه‌شناسی «به کمک روش‌های علمی خاص، نهادها، روابط و رفتارهای اجتماعی انسان را از نظر ساخت، کارکرد، پویا و دگرگونی بررسی و تجزیه و تحلیل، مقایسه و طبقه‌بندی می‌کند و با نگرشی ویژه به علل اجتماعی، در جستجوی قوانین حاکم بر حیات جامعه از دیدگاه‌های گوناگون است» (محسنی، ۱۳۶۶: ۱۳۰). ضرب المثل‌ها هم می‌توانند به عنوان یکی از این منابع علمی و مستند مورد توجه جامعه‌شناس قرار گیرند. در دوره معاصر ضرب المثل‌ها و در معنای عام آن ادبیات «صرفاً در جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان مفسر و مبین دنیای اطراف زندگی هنرمند و صاحب ذوق مورد عنایت و استفاده قرار می‌گیرد (رید، ۱۳۷۲: ۲۰). گذشتگان ما «تاریخ را در قصه‌ها، رنج را در شعرها، زندگی را در مثل‌ها و متل‌ها، سیاست و کیاست را در لابه‌لای خطوط ادیبانه خود گفته‌اند و عشق و کینه، خوشی و ناخوشی، حمله و دفاع، شکست و پیروزی، قهر و آشتی مردم را به رشته تحریر کشیده‌اند و از ادبیات آینه تمام‌قدی از زندگی ما، تاریخ و فرهنگ و جامعه و خانواده و شخصیت و خلاصه، اجتماعات ما به دستمان داده‌اند» دلیل این که ضرب المثل‌ها در جامعه‌شناسی مد نظر قرار می‌گیرند، این است که ضرب المثل‌ها پیوندی استوار با زندگی اجتماعی دارند و همان طور که ولادیمیر ژدانف نیز گفته: «ادبیات (ادبیات در اینجا مفهوم

کلی‌تری را شامل می‌شود و مثل‌ها و فولکلور و فرهنگ عامه نیز می‌تواند بخشی از آن باشد) را باید در پیوندی جدایی‌ناپذیر با زندگی اجتماعی، بر پایه زیربنای عوامل تاریخی و اجتماعی‌ای که بر نویسنده تأثیر گذاشته‌اند، دانست...» (n8,p141 V.Jdanov,1956).

ضرب المثل‌ها انعکاس آرزوها، آرمان‌ها، ایده‌ها و افکار هر قوم به شمار می‌روند و مفسر و مبین دنیای اطراف زندگی گروه‌های اجتماعی‌اند. بازنمایی واقعیات اجتماعی‌اند. ضرب المثل‌ها را نیز همچون ادبیات می‌توان زبان گویای جامعه دانست¹، مطالعه ضرب المثل‌ها راهی است به سوی کشف پیوند بین جامعه و ضرب المثل‌ها با مطالعه و کاوش در مثل‌ها روح مردم خود را در آنها جست‌ایم و گذشته خود را در آیین آن به نظاره نشسته‌ایم. بر این اساس ما هم بر آن شدیم تا به کمک ضرب المثل‌ها شیوه زندگی گذشتگانمان، ویژگی‌های فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه آنها، آداب و رسوم و قوانین حاکم بر روابط اجتماعی آنها را بکاوییم. در کنار ضرب المثل‌ها تعبیرات عامیانه را نیز که مرتبط با زندگی اجتماعی گروه‌های بشری هستند و انعکاس ویژگی‌های زمانی روزگار خود هستند، نیز آوردیم و بدین شکل از این تعبیرات نیز در شناخت گذشته و ویژگی‌های زندگی گذشتگان سود جستیم.

ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه در زبان ترکی آذری

زبان ترکی آذری، از غنی‌ترین زبان‌ها در حوزه ضرب المثل‌هاست. شاعر بزرگ آذربایجان و ایران، شهریار به این ویژگی زبان ترکی آذری واقف بوده و در بیتی می‌آورد:

تورکون مثلی فولکلوری دنیادا تک دیر

خان یورقانی، کند ایچره مثل دیر میتیل اولماز

(شهریار، ۱۳۹۲: ص ۶۱)

موضوعات مختلف اخلاقی، تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی در ضرب المثل‌ها مطرح شده است. در این پژوهش ما تلاش کردیم تا ضرب المثل‌هایی را که در شهرستان ماکو (پلدشت، شوط، چالدران) بیشتر کاربرد دارند، بیاوریم. بارزترین ویژگی ضرب المثل‌های

1 - بونالد معتقد است «ادبیات زبان گویای جامعه است» (به نقل از باربری، ۱۳۷۸: ۶۴)

ترکی آذری در این منطقه از کشورمان، ارتباط این ضرب المثل‌ها با زندگی روستایی و پاستورال است که در گذشته‌ای نه چندان دور، این شیوه زندگی بسیار پررنگ‌تر از امروزه بوده است. منشأ بسیاری از این ضرب المثل‌ها، محیط، طبیعت و شیوه زندگی مردمان این مناطق است و با این ضرب المثل‌ها می‌توانیم ویژگی‌های روحی و روانی و اجتماعی و فرهنگی مردمان این سرزمین را بازشناسیم. این ضرب المثل‌ها بخشی از بافتار اجتماعی این سرزمین هستند. از آنجا که این ضرب المثل‌ها برخاسته از دل مردم هستند، خالص‌ترین و عمیق‌ترین احساسات، ظریف‌ترین افکار و اندیشه‌ها و مهم‌تر از همه واقعیات این جامعه را انعکاس می‌دهند. ضرب المثل‌های این منطقه، یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه فرهنگ این جامعه هستند و با توجه به این که مثل‌ها، فلسفه زندگی یک گروه اجتماعی می‌باشند، می‌توان طرز تفکر و نگرش‌های خاص مردمان این منطقه و شیوه برخورد آنها با امور مختلف را در آیین ضرب المثل‌هایشان دید.

۱- تأثیر محیط در خلق ضرب المثل‌ها

محیط زندگی از اساسی‌ترین عوامل تأثیرگذار در خلق ضرب المثل‌ها بوده است. در ضرب المثل‌های ترکی آذری در این منطقه، جابه‌جا می‌توان رد پای محیط و ویژگی‌های محیطی را دید و این نشان از این دارد که چه اندازه مردم این منطقه با طبیعت مأنوس بوده‌اند و در تجربیات خود تا چه اندازه از طبیعت الهام گرفته‌اند. وقتی ضرب المثل «بیر دسته یاوشانا دیمز لر»² (به یک دسته سیزاب رسمی (یک قسم علف کوهی) نیز نمی‌ارزند)، (معادل فارسی: به درد لای جرز هم نمی‌خورند) مورد استفاده قرار می‌گیرد، این الهام از شیوه زندگی طبیعی و مأنوس بودن با طبیعت است که در قالب ضرب المثل نمود پیدا کرده است و نهایت دل‌بستگی خالق این ضرب المثل را با طبیعت آن آشکار می‌کند.

ضرب المثل «اوت کؤ کو اوسته بیتر»³ (علف از ریشه رشد می‌کند) که معادل فارسی آن «دود از کنده بلند می‌شود» می‌باشد، نیز به نوبه خود طبیعت‌گرایی و الهام از طبیعت را در خلق ضرب المثل‌ها به نمایش می‌گذارد.

² Bir deste yavşana daymazlar.

³ Ot kökü üste biter.

با مطالعه ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه‌ای که در بین مردم این منطقه رواج دارد، می‌توان شرایط آب و هوایی این منطقه را نیز دریافت؛ چرا که ضرب المثل‌ها انعکاس ویژگی‌های زندگی بومی و محلی هستند. ضرب المثل «قاردان قورتولدوق دوشدوق بورانا»⁴ (از برف خلاص شدیم در بوران گیر کردیم) که معادل فارسی آن «از چاله درآمدیم، افتادیم تو چاه» می‌باشد، نشان از شرایط آب و هوایی حاکم است که با این ضرب المثل می‌توان حدس زد که این ناحیه زمستان‌های سردی دارد و مردمان آن تجربیات بسیاری در این مورد داشته‌اند. علاوه بر این، بارش ناگهانی و دور از انتظار برف در این ناحیه و دیگر نواحی آذربایجان نیز منشأ خلق ضرب المثل «قالان ایشه قار یاغار»⁵ (اگر کار به موقع انجام نشود، برف می‌بارد) که معادل فارسی آن «کار امروز به فردا نگذار» می‌باشد، شده است. با این ضرب المثل هم می‌توان جدیت مردم این منطقه را در انجام کارها دید و هم شرایط جوی متغیر در برخی فصول را دریافت. چه بسا که مردم منطقه بارها و بارها کاری را به روزی دیگر موکول کرده‌اند تا انجام دهند ولی با شروع زمستان زودرس، انجام آن کار، ماه‌ها و ماه‌ها طول کشیده است.

یا سردی زمستان‌های این منطقه را به کمک تعبیر عامیانه «قاباخدان قیش گلیر قیلش کیمی»⁶ (زمستانی سرد و سوزان در راه است، همچون شمشیر برنده و سرد) می‌توان تشخیص داد.

در بسیاری موارد هم اجزاء ضرب المثل‌ها از حیوانات گرفته شده است و هرکدام از این حیوانات در صفتی مثل شده‌اند؛ مثلاً گرگ ضرب المثل در زرنگی و چابکی می‌شود (قورد کیمی بیر آدم) ⁷ (انسانی همچون گرگ) و کره اسب مثل در چابکی و چستی (دایچا کیمی)⁸ یا کهلن که نژادی از اسب عربی است (کهلن کیمی بیر آدم یا کهلن کیمی بیر اوغلان)⁹، مثل در تنومندی و قدرت می‌شود و همه اینها نشان از این دارد که

⁴ Qardan gürtüldüx düşdük borana.

⁵ Qalan işe qar yağar.

⁶ Qabaxdan gış galir gılış kimi.

⁷ Qurd kimi bır adam.

⁸ Dayça kimi.

⁹ Kahlan kimi bir adam.

مردم این منطقه بر حسب تجربیات خود، ویژگی‌های خاص این حیوانات را کشف کرده بوده‌اند و به آن مثل زده‌اند.

ضرب المثل «هود داغی کیمی دیر»¹⁰؛ (مثل کوه هود است) در مورد افراد قوی و تنومند نیز نشان از تأثیرپذیری و الهام از محیط در خلق این ضرب المثل است.

ضرب المثل «یئمیشین یاخچیسین چاققال ییر»¹¹ (بهترین میوه نصیب شغال است) نیز به نوعی ارتباط ساکنان این منطقه را با زندگی طبیعی نشان می‌دهد و انعکاس ویژگی‌های عینی و ملموس زندگی گذشتگان ما هست که بارها و بارها شاهد این امر بوده‌اند و ضرب المثلی برای آن بر ساخته‌اند.

ضرب المثل «قورد ددیخ قولاغی چیخدی»¹² هم که معادل فارسی آن «مثل جن میمونه اسمش رو می‌بری میاد» نیز ملهم از ویژگی زندگی طبیعی است. ضرب المثل «ایت دامیندا قوروت آختارماق»¹³ نیز معادل «زیره به کرمان بردن» فارسی است؛ ملهم از زندگی طبیعی است؛ چرا که سگ بیش از حد به کشک علاقه‌مند است و گذاشتن کشک بر بامی که سگ بر آن گذر دارد و امیدوار بودن که سگ آن را نخورد، کاری بیهوده است.

ضرب المثل «قوش دیلی اوخوماق»¹⁴ به معنی وسوسه کردن یکی و فریب دادن او نیز بازتاب زندگی و شرایط محیطی پیشینیان است.

ضرب المثل «بوپ بودان جلب اولماز» (از هددها، دار و دسته نمی‌شود) نیز برخاسته از تجربه زندگی طبیعی است؛ ضرب المثل در محیطی خلق شده که ساکنان آن بارها و بارها شاهد پراکنده شدن جمع هددها (بوپ‌بوها) به سبب کمترین ترسی بوده‌اند و به همین سبب مدلول انسان‌هایی شده که در مواقع خطر با احساس کمترین خطری کنار می‌کشند و شخص را در برابر خطر یکه و تنها رها می‌کنند و به همین خاطر چندان قابل اعتماد نیستند.

¹⁰ Hüd dağı kimidir.

¹¹ Yemişin yaxcısın cakal yiyer.

¹² Qurd dedix gulağı çıxdı.

¹³ İt damında qurut axtarmax.

¹⁴ Guş dil oxumak.

گذر کاروان‌ها و پارس سگان نیز بی آن که بتوانند در مسیر حرکت کاروان تغییری ایجاد کنند، منشأ ضرب المثل «ایت هورویر کروان گنچر» (مه فشاند نور و سگ عوعو کند) می‌باشد و به این معنی است که سخنان بیهوده ثمری نمی‌بخشد. ضرب المثل نشان از تجربه‌گرایی و عینیت‌گرایی است و دعوت به ثبات و پایداری در کار و گوش ندادن به حرف این و آن است.

ضرب المثل «ردینه چالی سورومخ»¹⁵ نیز از ضرب المثل‌های پرکاربرد است و به معنی گم کردن نشان است که در متون سنتی فارسی معادل «نعل وارونه زدن» می‌باشد، چرا که وقتی شخصی خاربوته‌ها را به دنبال خود می‌کشد، ردپای او گم می‌شود و نشانی از او نمی‌ماند.

ضرب المثل «گورولدیان بولوتون یاغیشی اولماز»¹⁶ نیز برگرفته از تجارب گذشتگان ما هست و برگرفته از شیوه زندگی طبیعی آنهاست که بارها و بارها شاهد این بوده‌اند که ابری که غرش بسیار داشته، بارانی نداشته است. این ضرب المثل در مورد افراد پرادعا به کار می‌رود که قادر به عملی کردن گفته‌های خود نیستند و طبل توخالی‌اند.

در این مورد که انسان‌های نامرد نیز در جامعه پیدا می‌شود، ضرب المثل «چاققالسيز مئشه اولماز»¹⁷ (بیشه بدون شغال نیست) به کار می‌رود و این نشان از این ویژگی بد شغال دارد که از مانده پس مانده‌های شکار دیگر حیوانات تغذیه می‌کند یا بعد از شکار، شکار دیگر حیوانات را از آنها می‌رباید و بیشتر صفت نکوهیده تنبلی را مد نظر دارد.

وقتی که از کسی انتظار نمی‌رفت که کاری را انجام بدهد و چنین شده است، ضرب المثل «گووندیغیم داغلار سیزه ده قار یاغدی»¹⁸ را به کار می‌برند و به نوعی ناامیدی و ناراحتی خود را با این مثل که برگرفته از اجزای زندگی طبیعی است، ابراز می‌دارند.

وقتی کسی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد این ضرب المثل را می‌آورند: «حاجی لی لکین آرتیخ بالاسی»¹⁹ و این امر نشان از آن دارد که لک‌ها جوجه‌های خود را مورد بی‌مهری

¹⁵ Radine çalı surumex.

¹⁶ Gurulduyan bulutun yağışı olmaz.

¹⁷ Çakalsız meşe olmaz.

¹⁸ Güvendiğim dağlar sizede qar yağdı.

¹⁹ Leyleyin artıx balası.

قرار می‌دادند. اگرچه در زندگی شهری امروز نمی‌توان این حالت را بعینه دید، گذشتگان ما بارها شاهد این موضوع بوده‌اند و در عباراتی قصار، آن را استمرار بخشیده‌اند.

۲- انعکاس شیوه زندگی در ضرب المثل‌ها

برخی ضرب المثل‌ها هم آینه شیوه زندگی گذشتگان ما هستند و سبک زندگی گذشتگان را پیش چشم ما مجسم می‌کنند. این ضرب المثل نیز نشان از سبک زندگی ساکنان این سرزمین دارد و پایه‌پای دام‌ها، منابع غذایی و علوفه دام‌ها و گاه نیز برای دامدار مورد توجه بوده است.

ضرب المثل «همشه سئل گلیب سئلینتی گتیرمز»²⁰ (همیشه سیل نمی‌آید تا خس و خاشاک و کنده با خود بیاورد) نیز در قالب عناصر طبیعی، یک ارزش اخلاقی حاکم در جامعه را تبلیغ می‌کند و آن قناعت است. با شنیدن این ضرب المثل می‌توان اثبات کرد که سیل تا چه حد برای گذشتگان ما ارزشمند بوده است و چوب و بوته‌ها و ریشه‌های درختان و خاربوته‌ها که سیل با خود می‌آورده تا چه حد در زندگی ساکنان و کوچروها نقش داشته است و نشان از کمبود مواد سوختی در جامعه گذشته ما داشته است و به همین سبب رعایت الگوی مصرف، برای آنان بسیار اهمیت داشته است.

ضرب المثل «قره گوز اویونی چیخاتماق یا شبه چیخاتماق»²¹ (مترادف تعبیر ادا در آوردن) هم بعدی دیگر از ابعاد فرهنگی جامعه سنتی ما را آشکار می‌سازد. در جامعه سنتی بازی «قره گوز» نوعی بازی خیمه‌شب‌بازی بوده است و این نشان از این دارد که در فرهنگ ما پیش از تأثیرپذیری از نمایشنامه‌نویسی اروپایی و متأثر به سبک اروپایی، نمونه‌هایی شبیه به آن وجود داشته است و بخشی از هویت فرهنگی ما بوده است. «شبه چیخاتماق» اشاره به مراسم «تعزیه» دارد که در مورد واقعه کربلا برگزار می‌شده است و ریشه در اعتقادات مذهبی شیعی جامعه دارد و عناصر فرهنگ عامه ما را با باورها و اعتقادات پیشینیان آشنا می‌سازد.

²⁰ Hemeşe sel gelib selinti getirmez.

Garagöz oyunu çıxarmax. şebah çıxarmax.

وقتی تعبیر «قالسین کیریش»²² و «تینه»²³ (معادل بماند سر برج در تعبیرات عامیانه زبان فارسی) از زبان یکی از بومیان منطقه شنیده می‌شود، به نوعی شیوه زندگی آنها را به نمایش می‌گذارد و به کمک آن می‌توان به ویژگی‌های زیستی آنها پی برد.

وقتی که ضرر دو طرفه می‌شود، ضرب المثل «آراندا بوغدادان، بغدادا خرمادان اولدوخ»²⁴ که معادل فارسی آن «از اینجا مونده، از اونجا رونده» فارسی است.

ضرب المثل «الک آپاریب قلبیر گتیرن»²⁵ (افرادی که کار مهمی انجام نمی‌دهند و الک می‌برند و غربال می‌آورند) نیز بعدی دیگر از ابعاد زندگی گذشتگان ما را آشکار می‌سازد. این ضرب المثل برگرفته از شیوه زندگی کشاورزی است؛ وقتی که محصول‌ها را برای خرمن‌کوبی انباشته می‌کرده‌اند، سختی کار بر دوش گروهی بوده و افرادی که به نوعی از کار طفره می‌رفته‌اند، الک و غربال در دست می‌گرفته‌اند و بدین شکل ادعا داشتند که آنها هم کاری انجام می‌دهند.

ضرب المثل «ایری یوک اوه یتیشمز»²⁶ (بار کج به منزل نمی‌رسد) نیز ما را به گذشته‌ها برمی‌گرداند، به روزگاری که حمل بار، بیشتر با چهارپایان صورت می‌گرفته است و اگر بار کج بود، در طول مسیر بارها و بارها از پشت چهارپا به زمین می‌افتاد و مایه رنج و عذاب می‌شد.

این ضرب المثل: «ناخیر سوروسوینن گندیب آلا دانا آختاریر»²⁷ (گله را گم کرده دنبال گاو پیشانی سفید است) نیز وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که خسارت کلی وارد شود و فرد به دنبال حفظ نفع جزئی باشد که باز دلالت بر شیوه خاص زندگی پیشینیان ما دارد.

22- کیریش نوعی سبزی خوردن است که بیشتر در مناطق کوهستانی و همزمان با آغاز فصل بهار رشد می‌کند و در گذشته که مردمان منطقه منبع درآمد چندانی نداشته‌اند با فروش این سبزی درآمدی کسب می‌کرده‌اند.

23 Galsın kiriş vaxtına.

24 Aranda buğdadan bağdat da xurmadan oldux.

25 Elek aparıb gelbir getiren.

26 Ayri yuk eve yetişmez.

27 Naxır surusuynen gedib ala dana axtarır.

ضرب المثل «آخشام دان اودونا گئدن چوخ اولار»²⁸ (کسانی که شب تصمیم می‌گیرند صبح به هیزم بروند زیادند، ولی عمل‌کنندگان کم‌اند) نیز با آشکار ساختن جلوه‌هایی از زندگی سنتی روستایی و روشن ساختن اهمیت جمع کردن هیزم از کوهستان برای پخت نان و سایر مصارف، دلالت به این نکته دارد که «ادعاکنندگان زیادند و عمل‌کنندگان کم»، در انجام کارهای سخت همه پس از درک دشواری کار و در وقت عمل، پا پس می‌کشند.

ضرب المثل «اونون ایپینین اوستونه اودون بیغماق اولماز»²⁹ نیز که در مورد افراد نامطمئن و غیر قابل اعتماد به کار می‌رود، ملهم از شیوه زندگی گذشتگان است.

ضرب المثل «بی ورن آتین دیشینه باخمازلار»³⁰ که معادل انگلیسی آن «baggers choosers cant be» و معادل فارسی آن (دندان اسب پیشکشی را نمی‌شمارند) می‌باشد، نیز اشاره به زندگی مردمان در زمان گذشته دارد و شیوه زندگی فئودالیستی و خان‌سالاری را می‌رساند.

ضرب المثل «یر برک اولاندا اوکوز اوکوزدن اینجییر»³¹ (وقتی زمین سفت باشد گاو از گاو ناراحت می‌شود) نیز برگرفته از ویژگی زندگی کشاورزی است و مربوط به دوره‌ای است که با گاوآهن زمین را شخم می‌زدند و از این طریق ما می‌توانیم به ویژگی‌ها و شرایط کشاورزی در روزگار آبا و اجداد خود پی ببریم. اگرچه این شیوه زندگی امروزه برافتاده، ولی ضرب المثل به حیات خود ادامه می‌دهد و دلالت خود را حفظ کرده است و دلیل این امر آن است که ضرب المثل‌ها به عنوان بخشی از حافظه جمعی یک ملت، بیشتر به شکلی ناآگاهانه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و دلالت معنایی آنها مد نظر است تا دلالت خارجی و عینی آنها.

«سامان آلتینان سو یثردندی»³² نیز به فرد حيله‌گر و مکار و زرنگ اطلاق می‌شود که معادل فارسی آن «آب زیر کاه» است. آب، زیر کاه ناپیداست و شاید با توجه به

²⁸ Axşamnan oduna gedan çox olar.

²⁹ Onun ipinin üstüne odun yağmaz olmaz.

³⁰ Bey veren atın dişine baxmazlar.

³¹ Yer berk olanda öküz öküzden inciyr.

³² Saman altınan su yeriden.

ویژگی‌های آبیاری در گذشته، افراد به این شکل آب بیشتری را به مزارع خود می‌رسانده‌اند که نوعی تقلب در کار آبیاری و استفاده از حق دیگران بوده است.

ضرب المثل «اوزاخذان دویوش آسان گلر»³³، ضرب المثلی است که از تجارب جنگی مأخوذ است. افرادی که پیشتر در صحنه‌های جنگ بوده‌اند، سختی و دشواری آن را درک کرده‌اند و آنان که تجربه‌ای در این مورد نداشته‌اند، آن را کاری سهل و ساده فرض کرده‌اند. ضرب المثل «سیجیم نه قدر اوزون اولسادا دوغاناقدان کئچر»³⁴ نیز انعکاس شیوه زندگی گذشتگان است، دوره‌ای که به جای تراکتور حمل بار با چهارپایان صورت می‌گرفته و بر سر سیجیم (طنابی که با آن بار را می‌بستند) همیشه دوغاناق (چوب دوسر) بوده که الزاما طناب از وسط این چوب دوسر رد می‌شده است و گذشتگان ما با الهام از ویژگی‌های عینی زندگی خود این ضرب المثل را خلق کرده‌اند.

تعبیر عامیانه «اود آپارماغا گلمیشدیز؟»³⁵ نیز که در مورد مهمان عجول و بی‌قرار به کار می‌رود، ریشه در ویژگی‌های زندگی گذشتگان دارد. گویا در گذشته پیش از این که کبریت تولید شده باشد، مردم برای روشن کردن آتش، «پاره آتشی» از اجاق همسایه می‌بردند و بالطبع عجله داشتند تا این پاره آتش خاموش نشود و این تعبیر عامیانه برگرفته از این ویژگی زندگی پیشینیان است.

تعبیر عامیانه «چوراک داشدان چیخیر»³⁶ نیز نشان از سخت‌کوشی مردمان این منطقه و دشواری تأمین هزینه‌های معاش است.

۲- انعکاس ویژگی‌های فکری

ضرب المثل‌ها علاوه بر این که انعکاس ویژگی‌های محیطی و شیوه زندگی گروه‌های اجتماعی هستند، افکار و اندیشه‌ها و آرمان‌ها و ذهنیات خاص آنها را نیز به نمایش می‌گذارند و به کمک آنها می‌توان افکار و اندیشه‌ها و روحیات جامعه‌ای را که ضرب المثل

³³ Üzaxdan doyüş asan geler.

³⁴ Sicim ne geder uzun olsa doğanaxdan geçer.

³⁵ Od aparmağa galmişdiz?

³⁶ Çorak daşdan çıxır.

در آن خلق شده، بازشناخت. در ضرب المثل‌های ترکی آذری در این منطقه، این ویژگی انعکاس یافته است و ساکنان این منطقه افکار، تمایلات و روحیات خود را در قالب ضرب المثل‌ها انعکاس داده‌اند. ضرب المثل «داش توشتوغو یئرده آغیر اولار»³⁷ (سنگ در جای اولیه خودش سنگین‌تر است) به سبک خاص تفکر گروهی دلالت دارد که مهاجرت از موطن خود به جایی دیگر را برای کسب معاش چندان نمی‌پسندیده‌اند. زندگی در محیط کوهستانی، سبب شده است فرد بتواند خود را با شرایط جغرافیایی و محیطی سازگار نماید. روحیه قانع بودن به اندک‌ها، نداشتن خواسته‌های بلند و محافظه‌کاری از پیامدهای زندگی در چنین شرایطی هستند.

تأکید بر پوشش مناسب و اهمیت آن نیز در این ضرب المثل‌ها انعکاس یافته است: «گیملی گوله بنزر جیندرلی جینه بنزر»³⁸ (فرد خوش‌پوش به گل می‌ماند و زنده‌پوش به جن) «گوزلیک اون دور دوققوزو دوندور»³⁹ (زیبایی ده قسمت است که نه قسمت آن پوشش است) با این ضرب المثل‌ها مردم سعی داشتند هم‌دیگر را متوجه پوشش مناسب و زیبا بکنند و ترغیب به خوش‌پوشی نمایند.

ضرب المثل «بی ورن آتین دیشینه باخمازلار»⁴⁰ نیز اشاره به زندگی مردمان در زمان گذشته دارد و ساختار فئودالیستی روزگاران گذشته را پیش چشم ما مجسم می‌کند و نشان از جبرگرایی و تقدیرگرایی و عدم وجود حق انتخاب دارد.

ضرب المثل «چونکی اولدن دگیرمانچی چاغیر گل‌سین دن کوراوغلو»⁴¹ نیز که برگرفته از قطعه شعری از داستان کوراغلوست، وقتی که کوراوغلو در آسیابی فریب «کچل حمزه» را می‌خورد و «قیر آت» اسب اسطوره‌ای خود را از دست می‌دهد و خایب و خاسر این شعر را می‌سراید:

چونکی اولدون دگیرمانچی	چاغیر گل‌سین دن کوراوغلو
وردن قیری آلدین دوری	دول باشیوا یان کوراوغلو

³⁷ Daş düşdüğü yerde ağır olar.

³⁸ Geyimli güle benzer cındırlı cine benzer.

³⁹ Güzellik ondur dokkuzu dondur.

⁴⁰ Bey veren atın dişine baxmazlar.

⁴¹ Çünkü oldun degırmançı çağır gelsin den koroğlu.

نشان از روحیه تقدیرگرایی و جبرگرایی دارد و دلالت بر این دارد که خودکرده را تدبیر نیست.

تعبیر عامیانه «پول الین کیریدیر»⁴² (پول چرک دست است) نیز نشان از نوعی نگاه منفی به ثروت و ثروتمند و پول است و نشان از بی‌توجهی نسبت به ثروت‌اندوزی دارد و در کنار آن تبلیغ ارزش‌هایی است که ماندگارتر هستند و شخصیت انسان نه به ثروت و دارایی‌اش، که به این ارزش‌های انسانی است. تعبیر عامیانه «اوتانانین اوغلو اولماز» (خجالتی صاحب پسر نمی‌شود) هم که به احتمال شکل صحیح آن «اوتانان اوغول اولماز» (خجالتی مرد نمی‌شود) می‌باشد، بعدی دیگر از ویژگی‌های فکری و فرهنگی مردمان این منطقه را آشکار می‌سازد؛ خجالتی بودن به عنوان یک آسیب اجتماعی در همه جوامع بوده است و به کمک این ضرب المثل، ناپسند بودن و کراهت این صفت را تبلیغ می‌کنند. ضرب المثل «اول مچیدین ایچی سورا ائشیکگی»⁴³ که معادل فارسی آن (چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است) می‌باشد نیز اولویت‌بندی ارزش‌ها را مد نظر دارد؛ از دید افراد، همیشه اموری بر امور دیگر ارجحیت دارند و هرکس بنا به ذهنیت خاص خود و معیارهای فکری، برخی امور را بر برخی دیگر ارجحیت می‌نهد.

ضرب المثل «اوجوزلو اتین شورباسی اولماز»⁴⁴ (گوشت ارزان، آبگوشت خوبی نخواهد داشت) نیز که معادل ترجمه فارسی مثلی انگلیسی «آنقدر ثروتمند نیستم که جنس ارزان بخرم»، نشان از دیدگاه خاص مردم منطقه است که توصیه می‌کنند جنس گران‌قیمت مرغوب از جنس بنجل و نامرغوب بهتر است، اگرچه هزینه بیشتری برای آن اختصاص یابد. چرا که جنس بی‌کیفیت در نهایت دور ریختن پول است.

در کنار ضرب المثل‌هایی که محافظه‌کاری را تبلیغ می‌کنند، ضرب المثل‌هایی هم هستند که تبلیغ ریسک‌پذیری هستند مثلاً ضرب المثل «اغیللی فیکیرلشینجه دلی ورار سودان گنچر»⁴⁵ (تا عاقل فکر کند که چطور می‌توان از آب گذشت، دیوانه از آب رد شده

⁴² Pul alin kiridir.

⁴³ Evvel meçidin içi sora eşiyi.

⁴⁴ Ucuzlu atin şorbası olmaz.

⁴⁵ Ağıllı fikirleşince dali virar sudan geçer.

است) که ضد محافظه‌کاری در کارهاست. ضرب المثل «آت مینه نین دیر»⁴⁶ (اسب مال کسی است که سوارش شده) نیز انعکاس همین روحیه خاص است.

ضرب المثل‌های «قونشیا اوموددو اولان شامسيز قالار»⁴⁷ (کسی که شام را امیدوار به همسایه باشد، گرسنه می‌ماند)، «قونشی قونشویا باخار اوزونو اودا یاخار»⁴⁸ (همسایه به همسایه نگاه می‌کند و خود را به آب و آتش می‌زند)، «قونشونون آشی قونشویا بورج دور»⁴⁹ (آش همسایه برای همسایه طلب است) نیز همه دلالت بر روابط بین همسایه و چشم و هم‌چشمی‌های رایج بین آنها دارند.

مفهوم جمع‌گرایی و تبعیت از جمع و اقلیت تابع اکثریت نیز از این ضرب المثل مستفاد می‌شود. «پالازا بورون ائلینن سورون»⁵⁰ (خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو) تعبیر عامیانه «قاچانی قاومازلار»⁵¹ نیز انعکاس باورهای مردم و اصول اخلاقی حاکم در جامعه است.

دو مثل زیر نیز اصول حاکم بر روابط اجتماعی گذشتگان ما را بازتاب می‌دهند. ضرب المثل «دوه‌چی ایلن دوست اولانین دروازه‌سی گرگ گن اولا»⁵² (کسی که دوست شتربان است، باید در حیاطش بزرگ باشد) به‌خوبی انعکاس‌دهنده انتظارات دوستان از دوستان است. یا باید دوست نشوی و یا این که شرط دوستی را تمام و کمال به جا آوری.

یا ضرب المثل نیش‌دار «تویدان سورا ناغارا، خوش گلدین بایرام آغا»⁵³ (بعد از اتمام عروسی به مجلس عروسی، خوش آمدی بایرام آغا) نیز تأکید به وقت‌شناسی در امور دارد و هر کاری باید به موقع انجام شود.

⁴⁶ At minenindir.

⁴⁷ Qonşuya ommutu olan şamsız galar.

⁴⁸ Qonşu qonşuya baxar özunu oda yaxar.

⁴⁹ Qonşunun aşu qonşuya borcdur.

⁵⁰ Palaza burun elinen surun.

⁵¹ Gaçanı gavmazlar.

⁵² Davaçinen dost olanın dervazasi gerek gen ola.

⁵³ Toydan sora nağara xoş galdin bayram ağa.

جمع‌گرایی و اجتماعی بودن نیز در این سه ضرب المثل به خوبی آشکار است و نشان می‌دهد که گذشتگان ما تا چه حد کمک‌کار هم بوده‌اند و با این ضرب المثل‌ها آیندگان را نیز به همکاری و همیاری در امور ترغیب کرده‌اند. «تک الین سسی چیخماز»⁵⁴ (یک دست صدا ندارد)، «ائل گوجو سئل گوجو»⁵⁵ (قدرت مردم، قدرت سیل است)، «ال الی یویار ال دنه دونر اوزو یویار»⁵⁶ (دو دست همدیگر را شسته و بعد به کمک هم صورت را می‌شویند).

ضرب المثل‌های «اورتولو بازار دوستلوغو پوزار»⁵⁷ و «زورونان بازار اولماز»⁵⁸ هم که در مورد امر بازار و خرید و فروش هستند، انعکاس‌دهنده تجربیات چندین ساله مردم در این مورد است؛ در امر خرید و فروش تأکید بر این است که باید رک و راست بود و همچنین به اجبار و با زور خرید و فروش نکرد.

۴- ابعاد تربیتی ضرب المثل‌ها

بسیاری از ضرب المثل‌ها، همزمان با انعکاس ویژگی‌های محیطی و شرایط خاص زندگی، جنبه تربیتی نیز دارند و اصول حاکم بر شیوه‌های تربیتی پیشینیان را بازگو می‌کنند. زمان مناسب برای تربیت افراد، سنین کودکی و نوجوانی است و تربیت صحیح اجتماعی در این دوره‌ها پایه‌گذاری می‌شود. ضرب المثل «آغاج یاش ایکن ایلییر» (ترکه تا تر است، قابلیت خم شدن دارد) دلالت بر همین اصل تربیتی دارد و اشاره به موقعیت-شناسی در امر تربیت دارد.

ضرب المثل «آت آت اولنجا ییه‌سی مات اولار»⁵⁹ که دلالت بر سختی پرورش و ریاضت اسب دارد و در بسیاری از فرهنگ‌ها مثل است، سختی و دشواری کار تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد و این مفهوم را می‌خواهد القا کند که امر تربیت وظیفه‌ای خطیر و مسئولیتی

⁵⁴ Tak alin sasi çixmaz.

⁵⁵ El gucu sel gucu.

⁵⁶ Al ali yuyar alda döner uzu yuyar.

⁵⁷ Örtulu bazar dosluğ u pozar.

⁵⁸ Zorunan bazar olmaz.

⁵⁹ At at olunca yiyesi mat olar.

دشوار است که نباید مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد که عواقب آن جامعه را گرفتار خواهد کرد.

ضرب المثل «قورویان گوژه تئز چوپ دوشر»⁶⁰ (چشمی که بیشتر مورد مراقبت قرار بگیرد، بیشتر در معرض خطر است) نیز بعدی دیگر از اصول حاکم بر امر تربیت را بازگو می‌کند و اشاره به سبک فرزندپروری در گذشته دارد. در جامعه ایلی گذشته تأکید بر این بوده که فرزندان خودساخته باشند و گرم و سرد روزگار را بچشند و روی پای خود بایستند و به همین سبب خانواده‌ها سعی می‌کردند فرزندان نازپرورده نباشند و در بسیاری موارد آنها را به انجام کارهای سخت ترغیب می‌کردند و بر این بودند که بچه هرچه بیشتر مورد حمایت قرار گیرد، ضعیف‌تر خواهد بود و پختگی لازم و آمادگی را جهت استقلال به دست نخواهد آورد.

ضرب المثل معروف «اوددان کول، کولدن اود اولار»⁶¹ نیز به‌نوعی تأیید‌کننده محتوای ضرب المثل پیشین است و حاصل تجربیات سالیان سال پیشینیان ما در این ضرب المثل کوتاه آمده است. در شکل علمی آن نیز پذیرفته شده است که انسان‌های خود ساخته توان‌مندترند و به همین سبب در این ضرب المثل، تأکید به خودساختگی است. توانایی چیزی است که بالقوه در وجود هرکسی هست و نیاز به فعلیت دارد و با تلاش حاصل می‌شود و بسته به ویژگی‌های نژادی نیست. تربیت تأثیرگذار و مایه کمال فرد است و بدین شکل ارزش شکوفا کردن توانایی‌ها مد نظر قرار می‌گیرد. در ادبیات فارسی نیز نمونه‌های بسیاری در این مورد است:

گیرم پدر تو بود فاضل

از فضل پدر تو را چه حاصل

یا بیت معروف نظامی که تأثیر تربیت و به فعلیت رساندن و شکوفا کردن توانایی‌ها در آن مد نظر است:

ای بسا تیزطبع کاهل کوش

که شد از کاهلی سفال فروش

⁶⁰ Goruyan göze tez çöp düşer.

⁶¹ Oddan kül külden od olar.

وای بسا کوردل که از تعلیم
گشت قاضی القضاة هفت اقلیم
(نظامی گنجوی، هفت پیکر)

ضرب المثل «آجاسی اوز ایچینن قورد ییر»⁶² (کرم درخت از داخل درخت است) نیز خواه در مورد خود انسان و ویژگی‌های روحی و روانی او و صفات ناپسندش که او را به انحطاط می‌کشاند، به کار رود و خواه در مورد نیروهای خودی که به سبب تربیت نادرست، مایه شکست و سرافکندگی می‌شوند؛ تأکید به عامل تربیت در جامعه دارد و فرد را به شناخت خود و جامعه خویش و مرتفع ساختن این کاستی‌ها فرامی‌خواند.

ضرب المثل «هئج میندیغین سایمیر»⁶³ نیز برگرفته از داستانی از ملا نصر الدین است. ضرب المثل «جانیم ایگید، گوزوم ایگید، اوز دنیوی اوزون اویود»⁶⁴ نیز تأکید بر این اصل تربیتی دارد که نباید کار خود را به دیگران وا گذاشت و وظایف خود را به بهترین وجهی انجام داد و در مورد خود و کرده‌های خود مسئول بود.

«یالوارماغینان دوغوز داری دان چیخماز»⁶⁵، نیز تأکید به اندیشیدن تدبیری مناسب در موقعیت‌های خاص دارد. ممکن است در جایی با نرمی و نرم‌خویی بتوان کاری را پیش برد، ولی در مواقعی هم این نوع رفتار نتیجه مطلوبی نداشته باشد. پس نوع رفتار باید متناسب با موقعیت باشد، سخن‌سرای بزرگ شیراز نیز در این زمینه می‌سراید:

درشتی و نرمی به هم در به است
چو فاصد که جراح و مرهم‌نه است
(سعدی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

در تشویق به کسب روزی حلال نیز این ضرب المثل به کار می‌رود: «های نان گلن هوینان گئدر»⁶⁶ که معادل آن در فارسی «باد آورده را باد برد» است، آنچه بدون زحمت

⁶² Ağacı öz içinden qurt yiyer.

⁶³ Heç mindiğin saymır.

⁶⁴ Canım igid gözüm igid öz deniyi özün uyut.

⁶⁵ Yalvarmağınan doğuz darıdan çıxmaz.

⁶⁶ Haynan galan huynan geder.

و تلاش به دست آمده، چندان نمی‌پاید. محتوای این مثل، ترغیب به تلاش و کوشش در کسب روزی است و به نوعی اصلاح جامعه را مد نظر دارد؛ چرا که در جامعه‌ای که هر کس به اندازه تلاش خویش از زندگی بهره‌مند شود، فاصله طبقاتی کم می‌شود.

تعبیر «آناسینا باخ قیزی نی آل»⁶⁷ (قبل از این که با دختری ازدواج کنی، مادر دختر را بشناس) نیز نشان از تجربه‌های مستمر گذشتگان ما در این مورد دارد و گویای این واقعیت است که مادر در تربیت فرزند دختر و خصوصیات فکری و نگرش او و رفتارهایش تا چه حد می‌تواند تأثیرگذار باشد. بنابراین رفتارشناسی خانواده دختر و در رأس آن، مادر خانواده می‌تواند در ازدواج موفق تأثیرگذار باشد.

ضرب المثل «اوینده تاپمیر گنجه لیق، گونلوندن گنچیر خوجالیق»⁶⁸ هم در مورد افرادی به کار می‌رود که اعمال و رفتارشان به دور از عقلانیت است، در حالی که محتاج به نان شب هستند، بدون تدبیر و تلاشی، سودای ثروتمند شدن در سر می‌پروراندند. مفهوم ضرب المثل تأکید بر این اصل اخلاقی است که هر کاری بهایی دارد و خیال خام پختن به چیزی نمی‌آرزد.

ضرب المثل «اوزو بیخیلان آغلاماز»⁶⁹ (کسی که خود به زمین بخورد، گریه نمی‌کند) هم بیانگر این واقعیت است که اگر اشتباهی کردی، پس مرد و مردانه پای اشتباهت بمان و کس دیگر را مقصر ندان و آه و زاری نکن، چرا که خودت این کار را کردی، پس به گردن دیگران نینداز. در لایه‌های زیرین این مثل تربیتی شاهد این هستیم که از طریق این مثل تأکید بر مسئولیت‌پذیری دیده می‌شود.

تأکید به اصل اخلاقی قانع بودن نیز در ضرب المثل «بیر الده ایکی قارپیز توتماق اولماز»⁷⁰ (در یک دست نمی‌توان دو تا هندوانه گرفت) دیده می‌شود. آزمندی و حرص صفتی نکوهیده در همه فرهنگ‌هاست. مولانا جلال الدین در این مورد می‌سراید:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای
چند گنجد، قسمت یک روزه‌ای

⁶⁷ Anasına bax gızını al.

⁶⁸ Evinde tapmır gecelix gönlluden geçir xocalıx.

⁶⁹ Özü yıxılan ağlamaz.

⁷⁰ Bir alda iki garpız tutmax olmaz.

کوزه چشم حریصان پر نشد
تا صدف قانع نشد، پر در نشد
(مولوی، ۱۳۸۴: ۱۸)

نتیجه گیری

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که ضرب المثل‌ها و تعبیرات عامیانه انعکاس واقعی و صادقانه شرایط زندگی، محیط و ویژگی‌های محیطی، آرمان‌ها و اندیشه‌ها، باورها و اصول تربیتی و اخلاقی حاکم بر جامعه هستند و از لابه‌لای آنها می‌توان سبک زندگی گذشتگان و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های حاکم بر جوامع آنان را کشف کرد. هم شرایط محیطی و منطقه‌ای را بازشناخت و هم ویژگی‌های فکری و فرهنگی جوامع گذشته را باید گذشته را چراغ راه آینده کرد و از تجربیات گذشتگان که حاصل عقل جمعی نسل‌های بسیار است، سود جست. ضرب المثل‌ها انعکاس واقعیت‌ها هستند و گذشتگان ما واقعیات زندگی خود را در ضرب المثل‌ها ارائه کرده‌اند و به همین سبب می‌توانند یکی از منابع موثق در شناخت جامعه گذشته، در خدمت جامعه‌شناسان باشند و جامعه‌شناس با رجوع به آنها می‌تواند پیش‌زمینه‌ای کلی از زندگی آنها داشته باشد و شرایط زندگی آنها را پیش چشم خود مجسم کند و از این طریق در شناسایی جامعه گذشته موفق باشد.

منابع و مراجع

- آل احمد، جلال (۱۳۷۵)، *نامه‌ها*، ج. اول، تهران، بی تا.
- باربری، پیر (۱۳۷۸)، *نقد جامعه‌شناختی*، ترجمه جمال آل احمد، نشریه هنر و معماری، شماره ۱۴، ۶۰ - ۷۰.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، *تفاوت ضرب المثل با برخی گونه‌های زبانی و ادبی مشابه*، فصلنامه نجوای فرهنگ، سال دوم، شماره چهارم.
- رید، هربرت (۱۳۷۲)، *هنر و اجتماع*، ترجمه سروش حبیبی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *نقد ادبی*، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۸۴)، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی.

شهریار، محمدحسین (۱۳۹۲)، تهران، انتشارات نگاه، چاپ سی و دوم.
عفیفی، رحیم (۱۳۷۸)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران، قرن ۳ - ۱۱، تهران، انتشارات سروش.

محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ هشتم.
معین‌الدینی، مریم (۱۳۸۱)، تحلیل مضامین اجتماعی ضرب المثل‌های رایج در کرمان، کرمان.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۴)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد الین نیکلسون، ترجمه و شرح حسن لاهوتی، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت‌بانو همایی، تهران، نشر هما.

Traduit de V. Jdanov, ۱۹۵۶, *Some recent Soviet studies in literature Soviet Literature*, Moscou, n 8, p. 141.

Yankah, K., 2004, "Proverb", in: *Key Terms in Language and Culture*, ed. A. Duranti, Blackwell.